



حسین فصیحی

### پیامدهای خطرناک رنگ باختن اجرای عدالت

فضای جامعه برای بروز اعمال مجرمانه امن است. افراد بزهارک به خوبی حیاط خلوت فعالیت‌های خود و فاصله‌شان را با پلیس و دستگناه قضا یافته و در همان فضا دست به اعمال مجرمانه می‌زنند. وقتی زمان دسترسی به مواد مخدر پنج دقیقه‌ اعلام می‌شود، یعنی فرآیندهایی که مانع از این دسترسی می‌شود، برطرف شده و قضا برای دسترسی به مواد فراهم شده است. رد پای مواد مخدر خصوصا مخدرهای صنعتی این روزها در بسیاری از اعمال مجرمانه دیده می‌شود؛ از قتل‌های فجیع و روابط نامشروع گرفته تا دل‌زدگی‌های معمول. بنابراین افرادی که دست به این دسته‌از اعمال مجرمانه می‌زنند از این فضای باز نهایت بهره را می‌برند.

این موضوع در چه جرائم خرد و کلان دیگر هم صدق دارد؛ از آزارهای کلامی در خیابان‌ها که روان زنان و دختران را آزار می‌دهد گرفته تا جرائم کلان اقتصادی که منجر به تشکیل پرونده‌های فساد اقتصادی می‌شود. خیلی‌ها از این فضای امن برای آزار دادن کلامی، نگاه‌های لمس‌ی زنان و دختران بهره می‌برند و عده‌ای هم در بعد کلان دست به غارت بیت‌المال می‌زنند. زمانی که پرونده‌های کلان جرائم اقتصادی شکل می‌گیرد می‌توان به این حد درک رسید که در سایه حاکمیت قانون، فضای لازم برای شکل‌گیری این پرونده‌ها فراهم است؛ فضای امن افراد این پرونده‌ها در استفاده از رانت‌هایی است که آنها را به کانون‌هایی از شخصیت‌های سیاسی متصل می‌کند. مانند آنچه در پرونده پاکب زنجانی رقم خورد. گاهی این جرائم آنقدر محرز رخ می‌دهد که نمونه آن را در هیچ‌جای دیگر دنیا نمی‌توان مشاهده کرد. مثل کوه‌خواری و دریاخواری و سربر آوردن شهرهای غیر مجاز در محل‌هایی که اساسا ساخت و ساز در آنجا غیر مجاز است.

پرسش اساسی در این بین، این است که فضا چگونه برای اعمال مجرمانه ناامن خواهد شد؟ پاسخ این پرسش هر چه باشد از مجرای برخورد‌های سلبی نخواهد گذشت. دلیل این امر هم مشخص است. شدیدترین مجازاتی که می‌تواند متوجه یک فرد بزهارک شود، سلب حیات از او یا مجازات اعدام است. این حکم درباره بزهارکان بسیاری تاکنون اجرا شده است، هم درباره بزهارکان خرد و هم درباره مجرمان کلان اقتصادی. این فرآیندهای ناپسند زمانی محقق شده‌اند که جایگاه اجرای عدالت در باور مردم کم‌رنگ شد. اطمینان فرد بزهارک از ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای مثل تعرض کلامی یا غارت بیت‌المال در سایه همین اطمینان شکل می‌گیرد. اگر متکب می‌دانست که رفتار او پیگرد قانونی را به دنبال داشته و عدالت درباره وی اجرا خواهد شد، دست به این عمل مجرمانه نمی‌زد. آسیب‌ها و فسادهای موجود در گذر زمان شکل گرفته و رفع آن نیز نیازمند زمان است. نباید فراموش کرد که برای جلب اعتماد عمومی پناهی جز قانون وجود ندارد و راه تحقق عدالت هم از مسیری جز اجرای قانون نمی‌گذرد.

### تصادف زنجیر‌های در محور قدیم سلاوه به تهران یک کشته و شش زخمی به همراه داشت.

این حادثه روز گذشته بین شش خودرو در این محور اتفاق افتاد که در جریان آن یک نفر کشته و پنج مرد، زن و یک کودک مجروح و به بیمارستان شهید مدرس سلاوه منتقل شدند. علت حادثه در دست بررسی است.

<b>باشگاه حقوقی</b>
<p><b>قسمت‌های مشترک ساختمان</b></p> <p>قسمت‌هایی از ساختمان و اراضی و متعلقات آن که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مورد استفاده تمام شرکا است، قسمت‌های مشترک محسوب می‌شود و نمی‌توان ححق انحصاری برای آنها قائل شد. بنابراین گذاشتن میز و صندلی و هر نوع وسیله دیگر و همچنین نگهداری حیوانات در قسمت‌های مشترک ممنوع است. قسمت‌های مشترک متعلق به تمام شرکا است، هر چند که در قسمت‌های اختصاصی واقع شده باشد یا از آن قسمت‌ها عبور کند.</p> <p>براساس ماده ۴ این‌نامه اجرایی قانون تملک آپارتمان‌ها، قسمت‌های مشترک ساختمان عبارت است از: ۱- زمین زیر بنا. ۲- اسکلت ساختمان. ۳- تأسیسات قسمت‌های مشترک مانند چاه آب و پمپ، منبع آب، مرکز حرارت و تهویه، تابلوهای برق، کنتورهای تلفن مرکزی، انبار عمومی ساختمان، اتاق سربازیه، آسانسور و محمل آن، چاههای فاضلاب، لوله‌ها از قبیل لوله‌های فاضلاب، آب، برق، تلفن، حرارت مرکزی، تهویه، گاز، نفت، هواکش‌ها و غیره. ۴- درها و پنجره‌ها، راه‌روها، پله‌ها، باگ‌ردا، ۵- تأسیسات مربوط به راه پله مانند وسایل تأمین‌کننده روشنایی تلفن، شیرهای آتش‌نشانی. ۶- بام و تمامی تأسیساتی که برای استفاده همه شرکا و یا حفظ بنا در آن احداث شده‌است. ۷- نمای خارجی ساختمان. ۸- محوطه ساختمان، باغ‌ها و پارک‌ها که جنبه استفاده عمومی دارد و در سند قسمت اختصاصی ثبت نشده‌است.</p> <p>براساس ماده ۱۴ قانون تملک آپارتمان‌ها، مدیر یا مدیران مکلف هستند تمام بنا را به عنوان یک هر کدام از مالکان به تناسب سطح زیر بنای واحد در مقابل آتش‌سوزی بیمه کنند. سهم هر کدام از مالکان به تناسب سطح زیر بنای اختصاصی آنها به وسیله مدیر تعیین و از شرکا اخذ و به بیمه‌گر پرداخت می‌شود. در صورت عدم اقدام و بروز آتش‌سوزی، مدیر یا مدیران مسئول جبران خسارت وارده هستند.</p>

## گرو جسد در بیمارستان دانشگاه آزاد برای دریافت پول

## نماینده مردم مشهد: آیا بیمارستان می‌تواند با آبروی مردم بازی کند؟

**نماینده مردم مشهد در مجلس، جزئیات ماجرای تحویل ندادن جسد بیماری به خانواده‌اش را به دلیل پرداخت نکردن هزینه‌های بیمارستان توضیح داد.**
حجت‌الاسلام نصرالله پژمان‌فر به «ایلتا» گفت: این موضوع مربوط به خانمی است که به دلیل مشکلات مالی در یک کوره‌پزخانه در منطقه‌ای در اطراف مشهد کار و به تنهایی در همان محل زندگی می‌کرد. وی ادامه داد: وقتی حلال این خانم به هم می‌خورد، افرادی که در آنجا بوده‌اند؛ اورژانس را خبر می‌کنند و این فرد را به بیمارستان امدادی در مشهد می‌برند که معمولاً برای موارد اورژانسی به آنجا مراجعه می‌شود، ولی این بیمارستان از پذیرش وی خودداری می‌کند و می‌گوید، بیمار حالش بسیار نامساعد است و باید به بیمارستان دیگری برود. وی افزود: همراهان بیمار تصمیم می‌گیرند که وی را به بیمارستان هاشمی‌نژاد که معمولاً خود فرد به آنجا مراجعه می‌کرده، ببرند، اما در حالی که خود بیمار بی‌بوش بوده است، طبق تصمیم مسئولان اورژانس به هر دلیلی فرد به بیمارستان خیریه‌ای در مشهد که تحت مدیریت دانشگاه آزاد است، برده و در آنجا بستری می‌شود. نماینده مردم مشهد ادامه داد: در روزهای بعد تلفنی از دختر بیمار به دست می‌آید و طی تماس و گفت‌وگویی که مسئولان بیمارستان با این فرد برگزار می‌کنند، می‌

به بیمارستان می‌رود و اعلام می‌کند که هم خودش و هم مادرش همانطور که متصدیان بیمارستان در روز اول در دفتر چه بیمه کرده و مسئولان بیمارستان می‌گویند که جسد را نمی‌دهیم تا داد: دختر بیمار که مادرش را در بخش آی سی یو می‌بیند که هنوز در کما است از مسئولان بیمارستان تقاضا می‌کند که مادرش را به بیمارستان دولتی دیگری انتقال دهند، ولی پزشکان بیمارستان با این انتقال موافقت نمی‌کنند و اعلام می‌کنند حال بیمار نامساعد است و در صورت جدا کردن دستگاه‌ها از وی امکان فوت او وجود دارد، بنابراین وی را تا ۲۸ روز در بیمارستان نگه می‌دارند.

وی با بیان اینکه بعد از ۲۸ روز که بیمار در آی سی یو بوده، دختر بیمار مراجعه و مجدداً تقاضا می‌کند که مادرش را به بیمارستان دولتی منتقل کنند. مسئولان بیمارستان در جواب اعلام می‌کنند که باید ۲۸ میلیون تومان هزینه بیمارستان را پرداخت کنند تا این فرد را مرخص کنیم.

نماینده مردم مشهد افزود: این فرد بعد از اعلام این موضوع برای تهیه پول و نامه گرفتن از استانداری و نماینده مجلس و غیره اقدام می‌کند و تقریباً این فعالیت‌ها حدود ۱۵ روز طول می‌کشد و این در حالی بوده است که هزینه‌های بیمارستان در این مدت کنتور می‌انداخته است. در نهایت وقتی این فرد با کم‌تر خیریه‌ها،

## سرقت از هم‌اتاقی برای تفریح با پسر موردعلاقه

**دختر دانشجویی که برای تفریح با پسر موردعلاقه‌اش کارت عابر بانک هم‌اتاقی خود را سرقت کرده بود، ماجرا را شرح داد.**

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل دختر جوانی سرآسمینه به اداره پلیس رفت و از سرقت کیف پول و کارت عابرس شکایت کرد. شاکی در توضیح ماجرا گفت: من دانشجوی رشته پزشکی یکی از دانشگاه‌های تهران هستم. از آنجایی که سرقتی هم در خوابگاه دانشجویی زندگی می‌کنم.

الان فصل امتحانات ماست و من هم چند روزی است سخت مشغول درس خواندن هستم تا اینکه شب قبل پیامکی از بانک تلفن همراهم ارسال شد که نشان می‌داد ۱۵ میلیون تومان از حسابم برداشت شده است. با دیدن این پیامک شوکه شدم و به دنبال کارت عابر بانکم گشتم که متوجه شدم علاوه بر کارت عابرم، کیفم که ۴۰۰ هزار تومان پول نقد در آن بود، مدمی شده است. سپس به دفتر خوابگاه بدعی موضوع را با مسئول خوابگاه در میان گذاشتم که او از من خواست من اداره پلیس پیامم و شکایت کنم. با طرح این شکایت پرونده برای رسیدگی به دستور دادار داداسرای ناحیه شش تهران در اختیار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌های تخصصی مأموران نشان داد دختر و پسر جوانی با کارت عابر شاکی از صرافی تعداد زیادی سکه خریداری کرده‌اند. مأموران در تحقیقات بعدی دریافتند پس از این حادثه دختر جوانی به نام رها از هم‌اتاقی‌های شاکی به صورت مرموزی ناپدید شده است. شاکی درباره رها گفت: رها هم‌اتاقی من است. او مدتی است رفتار مرموزی دارد تا اینکه روز حادثه وقتی به او گفتم عابر بانکم سرقت شده است، از خوابگاه خارج شد و دیگر بازنگشتم و الان هم از او

## انکار قتل مرد معتاد در کمپ ترک اعتیاد

**مردی که متهم است چهار سال قبل پسر معتادی را در کمپ غیرمجاز به قتل رسانده بود، برای دومین بار محاکمه شد.**
به گزارش خبرنگار ما، ۲۳ تیرماه سال ۹۰ بود که مأموران پلیس کرج از مرگ مشکوک پسری به نام بهداد در یکی از بیمارستان‌های شهرپا خیر و در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که بهداد به مصرف مواد مخدر اعتیاد داشت و خانواده‌اش وی را برای ترک به کمپ برده بودند که در آنجا دچار حادثه شده و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده است.

احمد، مردی که مدیر کمپ بود و بهداد را به بیمارستان منتقل کرده بود، اولین فردی بود که تحقیق شد. او در شرح ماجرا گفت چند روز قبل خانواده بهداد او را به کمپ منتقل کرد. بهداد وضعیت روحی بدی داشت و مخدر شیشه‌ص مصرف می‌کرد. او خیلی پرخاشگر بود و هم‌اتاقی‌هایش را هم‌آذیت می‌کرد. هر بار به او تذکر می‌دادیم که مزاحم دیگران نشود، اما فایده نداشت. امروز عباس، یکی از کارکنان به دفتر آمد و گفت که بهداد وسایل داخل اتاق را به هم ریخته و نمی‌توانند او را کنترل کنند. از عباس خواستم بهداد را به حوضچه‌ای که داخل حیاط



عکس خبر

**مرد موردسورآور عصر روز گذشته در تصادف با خودروی پراید دچار حادثه شد. این حادثه در خیابان مطهری، تقاطع میرزای شیرازی اتفاق افتاد. مأمور پلیس راهور که**

**در محل حضور داشت سر سانحه حاضر شد، اما حضور امدادگران اورژانس برای انتقال مصدوم حادثه به بیمارستان حدود یک ساعت به درازا کشید. امدادگران اورژانس بعد از حضور در محل مصدوم را در حالی که در هوای بسیار سرد در وضعیت دشواری قرار داشت به بیمارستان منتقل کردند.**



سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



## قتل مرغ فروش با چاقوی قصابی

**مرد مرغ‌فروش با چاقوی مرد آشنایی هدف قرار گرفت و کشته شد.**

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۱ شامگاه شنبه ششم بهمن ماه قاضی ایلخانی بازپرس دادسرای جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۰۹ نهارستان از قتل مرد مرغ‌فروشی در مغازه‌اش با خبر شد. لحظاتی بعد از اعلام این خبر، بازپرس به همراه کارآگاهان اداره هم‌پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداخت. تیم جنایی در نخستین گام با جسد مرد ۳۰ ساله‌ای به نام حمید داخل مغازه راه روپرو شد که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌های اولیه حیات از آن داشت که حمید ۱۵ دقیقه قبل از سوی مرد ۲۰ ساله‌ای آشنا که توزیع‌کننده مرغ



است درگیری به قتل رسیده است. تحقیقات پلیسی نشان داد قاتل از قبل با مقتول اختلاف مالی داشته که امروز پس از قتل مرد مرغ‌فروش از محل گریخته است. شاگرد مغازه مرغ‌فروشی که شاهد این حادثه بود، گفت: دقیقی قبل قاتل که کف‌شش توزیع گوشت مرغ در مغازه‌های مرغ‌فروشی است به مغازه ما آمد. او ابتدا با صاحب مغازه در حال حرف زدن بود که پس از لحظاتی

عصبانی شد و باحمید درگیر شد. وقتی درگیری آنها بالا گرفت، قاتل ناگهان چاقوی مغازه را برداشت و ضربه‌ای به حمید زد که به سرعت از محل گریخت. حمید فرغ در خون داخل مغازه افتاد و من هم بلافاصله موضوع را به مأموران پلیس و اورژانس اطلاع دادم، اما وقتی عوامل اورژانس رسیدند، صاحبکار فوت کرده بود.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه وقتی دوشم سرع پلیس رفت و شکایت کرد، در سیدم اورژاندم و دیدم همپوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان و آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد. کارآگاهان در تلاشند تا قاتل فراری را دستگیر

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

## به او باش

## اجازه قدرت‌نمایی نمی‌دهیم



**فرمانده ناجا در واکنش به**

**انتشار فیلم تعدادی از اوباش**

**مازندران گفت: این کلیپ‌ها**

**در فضای خصوصی ضبط و در**

**فضای مجازی منتشر شده بود.**

به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین اشتری در حاشیه اولین همایش پلیس، روانشناسی و مشاوره با حضور در جمع خبرنگاران درباره فیلم منتشر شده از تعدادی اوباش استان مازندران که در آن اقدام به قدرت‌نمایی و به کار بردن الفاظ ترسناک کرده بودند، گفت: این فیلم مربوط به سال قبل است که تعدادی از اراذل در مکان خصوصی اقدام به ضبط این کلیپ‌ها کرده بودند که چند روز قبل در فضای مجازی به صورت گسترده منتشر شد. وی با اعلام دستگیری تعدادی از این اراذل گفت: پس از انتشار این کلیپ دادسرای جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۰۹ نهارستان از قتل مرد مرغ‌فروشی در مغازه‌اش با خبر شد. لحظاتی بعد از اعلام این خبر، بازپرس به همراه کارآگاهان اداره هم‌پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداخت. تیم جنایی در نخستین گام با جسد مرد ۳۰ ساله‌ای به نام حمید داخل مغازه راه روپرو شد که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. بررسی‌های اولیه حیات از آن داشت که حمید ۱۵ دقیقه قبل از سوی مرد ۲۰ ساله‌ای آشنا که توزیع‌کننده مرغ

است درگیری به قتل رسیده است. تحقیقات پلیسی نشان داد قاتل از قبل با مقتول اختلاف مالی داشته که امروز پس از قتل مرد مرغ‌فروش از محل گریخته است. شاگرد مغازه مرغ‌فروشی که شاهد این حادثه بود، گفت: دقیقی قبل قاتل که کف‌شش توزیع گوشت مرغ در مغازه‌های مرغ‌فروشی است به مغازه ما آمد. او ابتدا با صاحب مغازه در حال حرف زدن بود که پس از لحظاتی عصبانی شد و باحمید درگیر شد. وقتی درگیری آنها بالا گرفت، قاتل ناگهان چاقوی مغازه را برداشت و ضربه‌ای به حمید زد که به سرعت از محل گریخت. حمید فرغ در خون داخل مغازه افتاد و من هم بلافاصله موضوع را به مأموران پلیس و اورژانس اطلاع دادم، اما وقتی عوامل اورژانس رسیدند، صاحبکار فوت کرده بود.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه وقتی دوشم سرع پلیس رفت و شکایت کرد، در سیدم اورژاندم و دیدم همپوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان و آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد. کارآگاهان در تلاشند تا قاتل فراری را دستگیر

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم گفتند که درخواست‌شان قصاص است، اما عباس به هیئت قضایی گفت که قصد کشتن بهداد را نداشته و احتمالاً

اندام دارد.

بود، بپندازد تا تنبیه شود و دست از رفتارش بردارد. حیاط کمپ به نهر آبی دسترسی داشت که کتار نهر حوضچه‌ای ساخته بودیم و بعضی از معتادان را داخلش می‌انداختم. آن روز خودم به جلسه رفتم. چند ساعت بعد وقتی از جلسه برگشتم سراغ بهداد را گرفتم. عباس وقتی به سراغش رفت به من خبر داد که حالش بد شده است. خود را به او رساندم و دیدم بی‌بوش شده است، به خاطر همین او را به بیمارستان منتقل کردیم که پزشکان بعد از معاینه گفتند فوت شده است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها عباس هم بازجویی شد. او گفت من بهداد را داخل حوضچه انداختم و او را بستم تا نتواند حرکت کند. ساعتی بعد وقتی برگشتم دیدم که کتان نمی‌خورد. انگار که داخل آب غرق شده بود. تحقیقات در این باره با ثبت حرف شاهدان دنبال شد و بازپرس بعد از کامل شدن بررسی‌ها عباس را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه او به‌اتهام قتل عمد صادر شد.

پرونده روی میز هیئت قضایی شعبه ۷۴ دادگاه‌وقت کیفری استان تهران قرار گرفت و اولیای دم